

پنجاه سال ایرانشناسی در فرانسه
۱۹۷۲ - ۱۹۲۲
ایران باستان^۱

زبان و ادبیات ، تاریخ و فرهنگ کهنسال ایران از دیرباز مورد توجه دانشمندان مغرب زمین بوده و دانایان آن کشورها به سهم خود گامهایی در زمینه های گوناگون مربوط به این شعبه برجسته از معارف درخشان بشری برداشته اند . آگاهی از این گامها و کوششها برای دانش پژوهان و فضیای ایران بایسته است و در واقع اطلاع از کم و کیف مساعی ایرانشناسان هم برای وقوف از دامنه نفوذ فرهنگ ایران و هم برای آشنایی با خدمات بیگانگان به معارف میهن ما ، ضرورت علمی محسوب می شود .

مقاله زیر گزارشی است از سرگذشت پنجاه سال (از ۱۹۷۲ - ۱۹۲۲) ایران شناسی در کشور فرانسه و نگاهی است به سعی و کوشش ایران دوستان و ایران شناسان آن سرزمین در زمینه تحقیقات ایرانی در دوره باستانی و همچنین دوره اسلامی .

بدون اغراق در نیم قرن اخیر مکتب ایرانشناسی فرانسه تحت

* Journal Asiatique Année 1973.

Numéro spécial pour le cent - cinquenaire de la
Société Asiatique (1822-1972), Tomo CCLXI

تسلط سیمای درخشان امیل بنونیست^۲ بوده است. در دسامبر سال ۱۹۶۹ وی بشدت در معرض بیماری سکته مغزی قرار گرفت و این حادثه دردناک سبب گردید که جلسات درس پرفیض وی قطع گردد و فعالیت های پژوهشی و تتبعات وسیع و پر ارزش وی که دامنه آن حتی از زمینه مطالعات ایرانشناسی فراتر رفته بود متوقف گردد. بنونیست مانند سلف خود آنتوان میه (Antoine Meillet) در مدرسه تتبعات عالییه بخش بزرگی از مطالعات خود را وقف دستور زبان تطبیقی و زبانشناسی عمومی کرده بود. ما درباره دو موضوع اخیر صحبت نخواهیم کرد ولی ناگزیر از ذکر این مطلب هستیم که وی در سالهای اخیر بدون انصراف از بررسی مسائل مربوط بایران که بزعم وی حوزه تحقیقی پر ارج بوده است بدو موضوع فوق الذکر می پرداخت.

در سال ۱۹۲۷ آنتوان میه بعد از سی و شش سال تدریس ضرورت این امر را که باید «در مقابل جوانان جاخالی کند» خاطر نشان میساخت. به پیروی از این اصل وی کرسی ایرانشناسی را در بخش چهارم مدرسه تتبعات عالییه به امیل بنونیست واگذار کرد. سال بعد یادنامه^۳ از طرف درستانش به وی اهدا گردید. موضوع درس بنونیست در بخش مذکور و ادامه آن از سال ۱۹۳۷ در کلتژ دو فرانس شامل جوانب مختلف پژوهشهای ایران باستان از جمله زبان پارسی باستان، اوستا، پارسی میانه و پارتی تورفان بوده است. بنونیست که در آغاز کارهای تحقیقاتی خود هم خود را وقف زبان سغدی کرده بود بعدها بندرت بتدریس آن میپرداخت. در

تنظیم و انتشار مدارکی که توسط پلیو (Pelliot) از آسیای میانه آورده شده بود بنویست سهم بزرگی داشت و اولین کار وی در این زمینه عبارت از همکاری در انتشار «سوتر علل و معلولات»^۴ بوده است که بوسیله گوتیو (GAUTHIOT) سغدی شناس بزرگ فرانسوی و پلیو آوانویسی و ترجمه شده بود.

در سال ۱۹۲۹ بنویست جلد دوم دستور زبان سغدی^۵ را منتشر می‌کند. جلد اول کتاب مذکور در سال ۱۹۲۳ بوسیله گوتیو چاپ و منتشر گردید ولی چاپ و انتشار جلد دوم آن به علت فوت مؤلف بتأخیر افتاد. در سال ۱۹۴۰ متون سغدی که بخش عمده آن (باستثنای دیرگاناکا سوتر که در سال ۱۹۱۲ منتشر گردیده بود) تا آن موقع انتشار نیافته بود تحت عنوان «کدیس سگدیانی»^۶ با مقدمه بنویست در کینهاک منتشر گردید. بعد بنویست «وسانتار اژاتاکا»^۷ را که قبلاً در سال ۱۹۱۲ گوتیو منتشر کرده بود با تصحیح و اضافات تجدید چاپ کرد. پنا بیای این پنج اثر بنویست مقالاتی نیز در زمینه مطالعات سغدی منتشر کرد. ما در اینجا بذکر مطالعات وی در پیرامون چند من سغدی مسیحی (ژورنال ازیاتیک ۱۹۵۹/۱۹۵۵) چند متن سغدی موزه بریتانیای کبیر^۸ (J. R. A. S) (۱۹۳۳)، چند متن سغدی مسیحی برلن (۱۹۳۷)^۹ و «بودا دیاناسوترا» (ژورنال ازیاتیک ۱۹۳۳) اکتفا می‌کنیم.

اگر اقدام بنویست به بهره برداری موفقیت‌آمیز از منابع سغدی که بخش عمده آن تا آن موقع انتشار نیافته بود به تقلید از گوتیو صورت

گرفته ، بدون شك تخصیص مقالات مهم متعدد به موضوع واژه‌های دخیل ایرانی در زبان ارمنی در سایه تشویق و هدایت استادش میه بوده است . « تبعات ایرانی » (TPS ۱۹۴۵)^{۱۱} « واژه‌های سائر در آسیای مرکزی » (ژورنال ازیاتیک ۱۹۴۸) ، « واژه‌های دخیل ایرانی در ارمنی » (BSL ۱۹۵۷/۵۸)^{۱۲} ، « عناصر اشکانی در زبان ارمنی » (مجله مطالعات ارمنی ۱۹۶۴) گامهای جدیدی است که بنویست در این زمینه برداشته است . باید گفت که تبعات وی در زبان ارمنی به مسأله اقتباس و واژه‌های دخیل خلاصه نمیشود .

آثار بنویست در زمینه پارسى باستان و اوستا ممکن است اهمیت چندانی نداشته باشد ولی نمیتوان آنها را بسکوت برگزار کرد . « دستور زبان پارسى باستان »^{۱۳} که روزی در صدد تجدید چاپ آن بود چیزی جز نسخه تصحیح و اضافه شده میه در سال ۱۹۱۵ نبوده است . باید گفت این همان مسیری است که از پیش بوسیله استاد برای شاگردش تعیین و ترسیم شده بود . بنویست بدلیل آنکه جزو افرادی بوده است که در تهیه مجموعه‌ای از کتیبه‌های ایرانی شرکت داشتند در سال ۱۹۵۴ همزمان با تشکیل کنگره مستشرقین در کامبریج خود به چاپ و انتشار کتیبه‌های هخامنشی بزبان پارسى باستان اقدام کرد . بنویست از مدتها پیش به اینکار تمایل شدید داشت ، روزهای فراوانی روی مقدمات آن کار کرد و ساعات پرانتظاری برای انتشار آن گذراند .

در زمینه مطالعات زرتشتی و اوستا بایستی کتاب کم‌حجمی که وی

در سال ۱۹۲۹ تحت عنوان دین ایرانی بر پایه اطلاعات حاصله از منابع مهم و کهن یونانی^{۱۳} منتشر نمود ذکر کرد. بنویست اطلاعات مورد نظر را بررسی، ارزیابی و بر پایه آن متون سخنرانیهای خود را جهت القاء در کنفرانسهای بنیاد «راتامبه کاتراک» که به خاطر وی در دانشگاه پاریس تشکیل شده بود تهیه میکرد. همچنین لازمست مطالعات بنویست را درباره مغان^{۱۴} (۱۹۳۸)، درباره برخی از ارباب انواع («ورتره و وزغنه» با همکاری رنو، ۱۹۳۴، نحوه کار بنویست، در این موقع، مغایر روش دومزیل بود، ولی بعد وی آن روش را پذیرفت و حتی در صدد دفاع از آن نیز برآمد، میترا، ژورنال ازیاتیک، ۱۹۶۰)، درباره «طبقات اجتماعی درسنت های اوستائی» (ژورنال ازیاتیک، ۱۹۳۲)، درباره اظهارات بارکونای^{۱۵} (لوموند اوریانتال، ۱۹۲۲)، در پیرامون مصادر اوستائی^{۱۶} (۱۹۳۵) ذکر نمود.

بنویست در همه این زمینه ها در مقام یک زبانشناس استثنائی جلوه گر است و تعداد مقالات وی که از مرز دوست گذشته دلیل این مدعاست.

تاریخ ادیان ایرانی از آن جمله فقه مزدائی در پرتو تحقیقات پردومناس (Pere J. P. DE MENASCE)^{۱۷} که شایستگی پرداختن به متون غامض و مشکل پهلوی را داشته به پیشرفتهای قابل ملاحظه نایل آمده است. بطوریکه پردومناس قبل از تصدی کرسی تدریس در پنجمین بخش مدرسه تبعات عالییه که بمنظور استقرار مجدد کرسی

تدریس استاد فقید هوار ایجاد گردیده بود در سال ۱۹۴۵ در فریبسورگ ترجمه رساله دفاعیه پهلوی «شکند گمانیک و یچار» را که حاکی از بحث و مجادله بمنظور مخالفت با ادیان مسیحی، مانوی، یهودی و اسلام بود با تمام رساند. یکی از نخستین کارهای پژوهشی وی^{۱۷} دنباله کارهای علمی دومزیل (G.DUMÉZIL) بوده است. آثار این دانشمند اهل تطبیق از بسیاری لحاظ از محدوده خاص مطالعات ایرانی فراتر میرود از این رو ما فقط بذکر کارهای برجسته او در پیرامون ترکیب وظایف سه گانه خدایان ایرانی از آنجمله کتاب «تولد فرشتگان» کفایت می‌کنیم. لیکن پردومناس لحظه‌ای از توجه و اظهار علاقه به ایران عدول نکرد.

پردومناس در طول بیش از بیست سال تدریس که موضوع آن تشریح و توضیح متون مزدائی بود ترجمه و تفسیر متن مهم و اساسی دفتر سوم دینکرت را که در حکم یک مجموعه فلسفی و فقه مزدائی بود با تمام رساند. این اولین ترجمه و تفسیر از نوع خود بود که در دسترس علاقمندان قرار گرفت. پردومناس قبل از پرداختن به این اثر مهم یک سلسله کارهای پژوهشی انجام داده بود که بمنزله کارهای مقدماتی کتاب فوق‌تلفی میشد از آنجمله می‌توان از «دائرة المعارف مزدائی»، «دینکرت» (۱۹۵۸) یعنی مجموعه سخنرانیهای وی در راتانیه کانراک نام برد. ما نه تنها جنبه‌های بحثی و جدلی این متون را بلکه بطور عمده موجبات ایجاد و ارائه‌ی وسایل شناخت اندیشه‌ی والاّنی که هدف غائی آن اقدام به حمایت از دینی بوده است که در مقابل پیشرفت پیروزمند اسلام و تئولوژی

مسیحیت در معرض شکست قطعی قرار گرفته بود مدیون او هستیم. ضمناً کارهای پژوهشی این محقق به این محدوده ختم نمیشود وی سهم بزرگی در خواندن لوحه‌های ساسانی (کتیبه‌های بیشاپور، استانبول و نوشته‌هایی به پهلوی در روی پایپروس و پوست موجود در مجموعه نسخ خطی ایرانی C. I. I.) و در مطالعه آداب و مراسم پارسنش آتش (بنیادها و موقوفات در حقوق ساسانی، ۱۹۶۴) داشته است.

در مطالعه دین زرتشت یکی از شاگردان پردومناش بنام ماریژان موله (Marijan MOLÉ, 1963 - 1924) که پیش از وقت رخت از جهان بر بست توانست برای خود شهرتی دست و پا کند. کارهای نوید بخش وی موجبات توجه و علاقه به تاریخ ایران باستان را مخصوصاً در طول چند دهه اخیر در فرانسه و در خارج از مرزهای فرانسه فراهم آورد. موله با علاقه فراوان میخواست که اهمیت مراسم دین مزدائی را در زمینه بازسازی دنیا (فرشکرد) از نقطه نظر بنیادی و غیر تاریخی نشان دهد. این موضوع از نزدیک با نظرات و مطالعات دومزیل پیوند دارد. موله افکار و نظرات خاصی از دین مزدا عرضه میکند که پیروانی در جمع ایرانشناسان دارد و متکی بر اطلاعات عمیق تر حاصله از منابع اوستائی و پهلوی است. موله متون زیادی را آوا نوشت و ترجمه کرده است که تعدادی از آنها نیمه کاره و تعدادی دیگر به همت پردومناس انتشار یافته است (از آنجمله میتوان مجموعه متونی چند درباره افسانه زرتشت را نام برد، ۱۹۶۷). موله مقالات زیادی نیز منتشر ساخته

(مبحث معاد در دین مزدائی از آنجمله است) و به جنبه های عرفانی عالم اسلام نیز اظهار علاقه کرده است .

قبل از اتمام سخن در این مقوله شایسته است از مقاله مهمی که مرهون اوتران (C. AUTRAN) و همکاری و تشریح مساعی بنونیست و مربوط به سیستم های تصویرنگاری سومری - اکادی و پهلوی بوده و بفراموشی سپرده شده است یاد کرد . این مقاله تحقیقی راه گشای کارهای بعدی ابلینگ (EBELING) بوده است .

با قبول این اصل که مانی آئین خود را اول بار در ایران آشکار کرد یادآوری از کارهای پژوهشی یوش (Ch. - H. PUECH) محقق بلامعارض در زمینه مانوی شناسی امری ناگزیر است . اولین اثر علمی مربوط به زندگی و آثار مانی را که در ۱۹۳۹ منتشر گردید مدیون او هستیم . اطلاعات ژرف وی از گنوستیسیسم (علم حقایق ادیان .) او را قادر ساخت که تفسیر اسناد و مآخذ دینی و فلسفی مانی را بطور شایسته پیش ببرد .

کتیبه شناسی ، تاریخ و جغرافیای تاریخی مربوط بدوران اشکانی و ساسانی ، در فرانسه ، بوسیله ماریک (A. MARICQ) ۱۹۶۰-۱۹۲۵ که متأسفانه عمر کارهای تحقیقی اش مانند موله کوتاه بود مشهور شده است . تبعات در پیرامون سنگ نبشته بزرگ شاپور اول (Res Gestae Divi Saporis و با همکاری هونیگمان) . سنگ نبشته های باختر ، هاترا و شناسائی موضع شهر قدیمی انبار در بین النهرین ، کشف کتیبه

کانشکا ، بملاوه همکاری وی در کاوشهای باختر و سرخ کنل و اقدام به مسافرتهای علمی گواه بر کارهای پژوهشی فراوانی است .

از سوی دیگر ماریک در پرتو راهنمایی و تشویق پردو مناش بامر تدوین مجموعه‌ای از مهرهای ساسانی اقدام کرد و یکی از نخستین افرادی بود که به اهمیت آن پی برد . اگر به مجموعه مهرها ، اسناد مهور بدست آمده را بیفزائیم بایکی از زمینه های دست نخورده کتیبه شناسی مواجه خواهیم شد که بایستی در اسرع وقت مورد استفاده قرار گیرد . این آثار موجز برای علم مطالعه اسلام و اسامی خاص و بررسی اماکن مدارک فراوان و بی نظیر عرضه میکند . نگارنده که علاقمند به کار و تحقیق در این رشته است مساعی خود را اصولاً صرف کتیبه شناسی کرده است . پس از انتشار دو کتیبه چاپ نشده از کرتیر (ژورنال ازبایاتیک ۱۹۶۸ و استودیو ایرانیکا ۱۹۷۲) اقدام به تدوین « مجموعه لغات کتیبه های پهلوی و پارت » کرده است (لندن ۱۹۷۲) که شامل همه مواد مربوط به کتیبه های مکشوفه تا ۱۹۷۰ است . ضمناً مشغول آماده ساختن فهرستی از مجموعه های موجود مهر و اسناد مهور ساسانی در کتابخانه ملی پاریس است و در نظر دارد اطلاعات دیگری نیز در این زمینه چاپ و منتشر سازد . مجموعه مهرها و اسناد مهور به یقین میتواند برای يك « نامنامه » جدید مدارک مهمی فراهم آورد .

سرانجام باید از مطالعات شومون (M. - L. CHAUMONT)

درباره عهد ساسانی و مخصوصاً از چاپ کتیبه کرتیر در کعبه زرتشت

(ژورنال ازبایک ۱۹۶۰) نام برد .

اگر تاحال سخنی از باستان‌شناسی بمیان نیامده است و نتوانسته‌ایم آن را بعنوان سرفصل مطالب مورد بحث قرار دهیم دلیل این بوده است که ما همیشه برای باستان‌شناسی مسیری جداگانه فرض کرده‌ایم . در ایران باستان‌شناسی بندرت مدارك كتبی پیدا میکند تا برای قرائت و استفاده در اختیار کتیبه شناس ، زبان‌شناس و مورخ قرار دهد . برای دوره قبل از اسلام نسخه‌ای خطی (باسننهای نسخ خطی تورفان) بدست نیامده است . سنگ نبشته‌ها بندرت و بتعداد نسبتاً اندك درخاك پیدا میشوند و کشف آنها در حین مسافرت‌ها و گردشهای علمی اغلب بطور تصادفی و پیش‌بینی نشده اتفاق افتاده است . اصولاً باستان‌شناسی در ایران برای کشف بناهای تاریخی و محتویات آنها بکار گرفته میشود و آوازه بلند و نيك این کشفیات مرهون گیرشمن (R . GHIRSHMAN) است که چهل و دو سال بطور مستقیم در محل به مطالعه و تحقیق پرداخته است . گیرشمن برای اولین بار در گیان (در حوالی نهاوند) و لرستان به کاوش اقدام و ضمن آن برای نخستین بار ظروف سفال منقشی خاص فلات ایران از دل خاك بیرون آورد . این مطالعات با کاوشهای ماقبل تاریخ سیالك پی‌گیری گردید و از ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۱ در بیشاپور یکی از چند پایتخت بزرگ شاپور اول که بنای آن نسبتاً محفوظ مانده بود به کاوش پرداخت . گیرشمن ، در میان اشیاء مکشوفه فراوان به تعدادی از کاشیکاریهای مشهور دوره ساسانی نیز دست یافت . خلاصه از ۱۹۴۶

تا ۱۹۶۷ وی لحظه‌ای از سرپرستی کادشهای شوش که از سال ۱۸۹۷ هیأتی از باستان‌شناسان فرانسوی در آنجا مستقر و مشغول حفريات بوده فارغ نبود و به تجسس در همه سطوح تاریخی تا قرن سوم هجری پرداخت و در این زمینه بدون شك بهترین کشفیات شامل دوره ابلامیهاست که لوحه‌های مکشوفه فیراوان آن برای قرائت به پراستو (Père J - M. Stève) تحویل گردیده است. گیرشمن با کشف زیگورات چغا - زنبیل معابد و سبک معماری آن را شناسائی کرد. در ناحیه بختیاری در « بردشاند » و « مسجد سلیمان » آثار اولیه استقرار و اسکان پارسها را معلوم و صفة مقدس را نیز که شامل چند معبد بوده و احتمالاً بوسیله ساسانیان ویران گردیده است مشخص کرد. گیرشمن همچنین در مشرق در بخش بگرام در حین جنگ جهانی دوم به کاوش پرداخت. ولی در این بخش دامنه کشفیات شلومبرژه (D. SCHLUMBERGER) ابعاد وسیعتری دارد. « کشف سرخ کنل » و « آی خانم » که معرف قدیمی ترین ره آورد فرهنگ یونانی در ایران است نتیجه کارهای تحقیقی شلومبرژه است. بعلاوه نامبرده در مقام مورخ هنر سهم بزرگی در معرفی و شناسائی این دوره از تاریخ ایران دارد. بموازات این امر ویل (E. WILL) نیز آثار زیادی در پیرامون تاریخ دوره مزبور که متأثر از فرهنگ و تمدن یونانی است انتشار داده است. بطوری که قبلاً نیز اشارتی رفت سنگ نبشته های باختر بوسیله ماریک و سنگ نبشته های آشوکا (ASOKA) بوسیله بنونیست بکرات مورد مطالعه قرار گرفته

است و بالاخره تاریخ هنر شهرت خود را مدیون پژوهشهای گیرشمن و گدار (A. CODARD) است و علت وجودی موزه باستانشناسی تهران نیز در توجیه و ارائه این آثار خلاصه میشود.

سخن از تاریخ گفتن خارج از حوصله این مقاله است و توضیحاً باید اضافه کرد که در زمینه ایران باستان کمی مدارك کتبی و تعبیرات مشکل اسناد مکشوفه رویهم کار تاریخ نویس را که همیشه غلاقمند به استفاده از مآخذ خارجی فرادان و سهل الحصول بوده است پیچیده میسازد و بطور قطع هیچگونه نظر تاریخی را نمیتوان اظهار کرد مگر بعد از استمداد و استفاده عالمانه از منابع محلی . واقعیت اینست که در زبان فرانسه خلاء موجود ناشی از نبودن يك کتاب تاریخ ولو ناچیز بشدت احساس میشود .

از مرور مطالب مذکور در بالا چنین استنباط میشود که برای مطالعه ایران باستان انتخاب و راهنمایی قبلی مطرح نبوده است و شایسته است در این رهگذر از تبعات پراچ دانشمندان فرانسوی در انتشار و استفاده از متون ، سنگ نوشته ها و نسخ خطی (مخصوصاً نسخ خطی سغدی) ، در پیرامون تاریخ ادیان (مزدائی و مانوی) ، در امر کشف و بهره برداری از بقایای شهرهای قدیمی یادآوری شود . در این اواخر تشکیل سازمان جدیدی بمنظور پیش برد تبعات ایرانی و انتشار مجله فرانسوی « ستودیا ایرانیکا » علائمی از يك تحرك نوین در قلمرو مطالعات ایرانی در فرانسه است .

ایران جدید

اگر آدمی در ساحل رودخانه و یا در روی آب قرار گیرد سرعت جریان آب را بیشتر یا کمتر احساس خواهد کرد ولی باید اقرار کرد که از سال ۱۹۲۲ سرعت پیشرفت تحقیقات ایران جدید (از اسلام تا امروز) چنانکه در زیر خواهد آمد، امری نمایان و قابل توجه بوده است.

زبانها و تمدن

مطالعات ایرانی که تا سال ۱۹۴۵ تنها در کرسی زبان فارسی مدرسه ملی زبانهای زنده خاورزمین خلاصه میشد بعد از لحاظ سازمانی گسترش بیشتری یافت و نحوه آموزش در آستانه تحول قرار گرفت. تأسیس انستیتو مطالعات ایرانی، در ۱۹۴۷، در دانشگاه پاریس که زمینه های مختلفی را در بر میگرفت باین امر تحرك بیشتری بخشید. این انستیتو در حال حاضر دارای کتابخانه غنی و فیش بندی مدرن است و در چهارچوب این دانشگاه از ۱۹۵۱ مجموعه از کنفرانسهای علمی، دانشجویان را بمنظور دریافت گواهی نامه تمدن ایرانی آماده و بدین ترتیب به امر آموزش در مدرسه ملی زبانهای زنده خاورزمین رشد و توسعه بیشتری داده است. تعداد فزاینده دانشجویان و لزوم توجه به تخصصها در سال ۱۹۶۶ سبب تأسیس کرسی تمدن و زبانهای ایرانی در سوربن گردید و تصدی آن به ژیلبر لازار و اگذار شد. از سوی دیگر در مدرسه ملی فوق الذکر که بعدها به «انستیتو ملی زبانها و تمدنهای خاورزمین»

تغییر نام داد در ۱۹۵۰ بخش تدریس کردی و در ۱۹۷۰ بخش تدریس زبان پشتو و در سالهای بعد دوره هائی از دروس و کنفرانسهای مربوط به تمدن ایرانی تأسیس یافت. ضمناً از ۱۹۷۰ در دانشگاه پاریس سه، ارائه درسهای برای اخذ فوق لیسانس مطالعات ایرانی، و در انستیتو ملی زبانها و تمدنهای خاور زمین عرضه درسهای بمنظور اخذ دیپلم، رویهم رفته دانشجویان را در يك سطح عالی و در مسیر نیل به درجه دکترا قرار میدهد.

در ۱۹۴۶ در تهران به ابتکار مدیریت کل روابط فرهنگی، انستیتو فرانکو ایرانی تأسیس گردید. ایجاد بخش ایران‌شناسی در داخل این انستیتو توانست همانطوریکه پیش بینی شده بود با فراهم ساختن وسایل اقامت طولانی ایران‌شناسان جوان در محل و با اقدام به نشر يك سری انتشارات درخور توجه، در راه اعتلای مطالعات ایرانی سهم قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. مسئولیت تجدید سازمان و مدیریت آن به هانری کربن که در آن موقع کتابدار مأمور در کتابخانه ملی بود تفویض گردید. آنچه از بدو امر علت وجودی و برنامه بخش ایران‌شناسی بوده است بوسیله هانری کربن در ضمن مقاله در ۱۹۶۸ («از کتابخانه ملی تا کتابخانه ایرانی»، *in Humanisme actif*، مجموعه هنر و ادب تقدیمی به زولین کن، پاریس) بیان گردیده است.

در ۱۹۶۳ در دانشگاه استراسبورگ انستیتو مطالعات ایرانی در ارتباط با دانشگاه تهران تأسیس گردید. از آن تاریخ در چارچوب

انستیتو مطالعات ایرانی و ترکی و در سایه راهنمایی و تشویق ایرن ملیکوف درسی به منظور آشنائی به زبان فارسی و تمدن ایرانی تضمین و عرضه شده است. پست کنفرانس آن در سال جاری از لحاظ سهم مالی نارسائیهائی دارد ولی همه آرزومندان که استراسبورگ در آتیه نزدیک بتواند وسایل مطمئن تری بمنظور ارائه واحدهای درسی فارسی (زبان و تمدن) فراهم آورد و ضمن آن به امر توسعه کتابخانه خاورشناسی که اخیراً با استفاده از مجموعه شخصی هانری ماسه غنی گردیده است توجه بیشتری کند. در دانشگاه لیون نیز آموزش زبان فارسی و مطالعات ایرانی در ۱۹۶۲ دایر و در ۱۹۶۴ پست تدریس در آن تا مقام دانشیاری بالا رفت و مسئولیت آن بعهده آقای محمد آشنا و گذار گردید و امر آموزش توأم با سعی و مراقبت در مسیر مطلوبی قرار گرفت ولی از ۱۹۷۰ باین سو با اشکالات مالی مواجه گردیده است.

برای اجتناب از تصدیع خاطر اختصاراً بذکر انتشارات عمده مربوط به تمدن و زبانهای ایرانی میپردازیم:

I مجموعه و مجلات:

انتشارات انجمن مطالعات ایرانی (۱۹۳۰ و ایضاً): کتابخانه ایرانی (بخش ایرانشناسی)، درباره آن به تفصیل در زیر بحث خواهد شد؛ مجموعه یونسکو حاوی آثار برگزیده، سری ترجمه متون فارسی، و کتابخانه آثار کلاسیک فارسی؛ کارهای پژوهشی انستیتو مطالعات ایرانی (۱۹۶۴ و ایضاً)؛ ستودیا ایرانیکا (۱۹۷۲ و ایضاً).

II تحقیقات و مطالعات :

۱- زبان فارسی : الف - توصیف زبان امروزی : ژ. لازار ، گرامر فارسی معاصر ، پاریس ۱۹۵۷ ؛ ب - ساختمان و لهجه شناسی زبان فارسی : ژ. لازار ، زبان قدیمترین آثار نشر فارسی ، پاریس ۱۹۶۳ ؛ ۲ - ادبیات فارسی : الف - معرفی و مطالعه مؤلفان بزرگ فارسی : هانری ماسه ، رساله درباره سعدی ، پاریس ، ۱۹۱۹ ، هانری ماسه فردوسی و حماسه ملی ، پاریس ۱۹۳۵ ؛ ب - بررسی تماتیک (موضوعی) شعر فارسی : شارل هانری دو فوشه کور ، وصف طبیعت در شعر تغزلی فارسی قرن یازدهم ، پاریس ۱۹۶۹ ؛ ج - ترجمه ها : هانری ماسه ، منتخبات فارسی (از قرن یازده تا نوزده) ، پاریس ، ۱۹۵۰ ، صفا ، منتخبات شعر فارسی (از قرن یازده تا بیست) ، پاریس ۱۹۶۴ ، و کارهای تحقیقاتی هانری ماسه ، آشنا و هانری ماسه ، دوگاستین ، رضوی ، در مجموعه یونسکو که بالاتر اشاره گردید . درباره زبان و ادبیات کردی به صفحات بعد مراجعه شود .

در چارچوب مرکز پژوهشهای علمی (C . N . R . S) از ۱۹۷۱ به بعد یک گروه تحقیقاتی وابسته (E . R . A . 355) مرکب از ده نفر پژوهشگر تحت سرپرستی ژ. لازار در زمینه‌های مربوط به تمدن و زبانهای ایرانی مشغول بررسی و مطالعه هستند .

۱ - این کتاب توسط آقای دکتر مهدی روسن ضمیر استاد دانشگاه آذربایادگان به فارسی درآمده و در سال ۱۳۵۰ به یاد بود جشن دوهزاروپانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران منتشر شده است .

تاریخ و جغرافیا

۱- تاریخ

در زمینه تاریخ قرون اولیه اسلام با توجه به زبان مدارك و نظر به تأثیرات متقابل حوادث و وقایع، قوانین و سازمانها، آداب و رسوم تعیین حد فاصل بین کارهای پژوهشی مربوط به منطقه شرقی عالم اسلام و کارهای پژوهشی مختص به تاریخ ایران که خود جزئی از این منطقه بوده است عملاً غیرممکن است کافی است یادآوری شود که عده زیادی از دانشمندانی که اسامی آنان در مقاله مربوط به مطالعات اسلامی این مجموعه دیده میشود کم و بیش در شناسائی ایران میانه سهیم بوده اند. از آنجمله بترتیب حروف تهجی از کاهن (Cl. Cahen)، لزیس (Lézine)، سینیون، سواژه (Sauvaget)، شلومبرژه (Schlumberger) سوردل (Det J. Sourdel) و ویت (G. wiet) میتوان نام برد. با اینهمه مؤسساتی چند بمنظور مطالعات صرفاً ایرانی فعالیت دارند. انستیتو فرانسه در تهران و هیأت باستانشناسی فرانسه در ایران و افغانستان، ضمن تخصیص کارهای تحقیقاتی خود به ادوار قبل از اسلام بنحوی ازانحوا، (از جمله بررسیهای اخیر در لشکر بازار، مناره جام و غیره و مطالعات دیگر در ردیف کارهای شوش) در دام مطالعات دوره اسلامی گرفتارند. در عرصه تاریخ هنر يك نام اولویت دارد و آن گدار (A. Godard) است که دوران ممتد کارهای پژوهشی خود را به آثار گذشته ایران میانه مصروف و به تنهایی وسایل انتشار مرتب مجله آثار

ایران را فراهم ساخته است. در این اواخر ما کسیم سیرو (Maxime Siroux) با مطالعات خود در پیرامون معماری، سچوکین (I. Stchoukine) با مطالعات خود در پیرامون مینیاتور دلیل حضور فرانسه در این زمینه‌اند. هانری ماسه که در بدو امر به مطالعات عربی و مخصوصاً به ادبیات آن روی آورده بود مهذا از قلم فرسایی در باره تاریخ ایران یعنی کشوری که بمنزله میهن ثانوی او بود لحظه درنگ جایز ندید. تفحصات سکه شناسی و تدوین سلسله انساب مربوط به ایالات واقع در جنوب دریای خزر بوسیله کنسول انگلیس در آمل، رابینودی بورگومال (Rabino di Borgomale) از اهالی پواتو فرانسه صورت گرفته است. ضمناً دانشمندان بلند پایه از قبیل مینورسکی بخشی از مطالب مربوط به ایران را در فرانسه و بزبان فرانسه نوشته‌اند و نیز رساله‌های معتبر و قابل توجهی که چند نفر ایرانی از جمله صادقی و عزیزی نوشته‌اند در کشور فرانسه و بزبان فرانسه بوده است.

با توجه به مطالب بالا باید اذعان کرد که در پیرامون کارهای دستی و هنری جز آثار مقدماتی و عامیانه و جر مطالعات ارزشمند مجزا از هم که تقریباً در رهگذر تصادف شکل گرفته‌اند کار پژوهشی قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته است.

ولی از پانزده سال باینطرف کوششی منظم و متداوم در جهت ژرف‌گرایی بویژه درباره دوره‌های مغول، تیموری و صفوی بوسیله ژان اوبین (Jean Aubin) بعمل آمده و در حال حاضر تعدادی از پژوهشگران جوان

تحت راهنمایی نامبر و ده در پناه حمایت مرکز ملی پژوهش‌های علمی (در چارچوب مرکز مطالعات اسلامی و شرقی تاریخ تطبیقی ERA 206) بشکل گروهی مشغول کارند. در جمع آنان میتوان از سورن ملیکیان (Suren Melikian) برای هنرهای تزئینی (مطالعه در هنر برتر)، از ژان کالمار (Jean Calmard) برای مردم‌شناسی (مطالعه در آداب و مراسم بزرگداشت حضرت امام حسین ع) و غیره نام برد. ژان اوبن، خود درباره تاریخ اجتماعی و ناحیه‌یی، درباره جنبه‌های اصیل زمینه ایرانی کار میکند ولی از چندی باینطرف نقش مهمی در انتشار مجلات «دنیای ایران و اسلام» و مجله جدید دیگری بنام «ستودیا ایرانیکا» بمعهد دارد و در راه اعتلای رشته‌های متنوع ایران‌شناسی در فرانسه سعی وافیه مبذول داشته است. مطالعاتیکه در قلمرو ایران مدرن در زمینه مردم‌شناسی در فرانسه صورت گرفته ارتباطی با تاریخ نداشته است.

II جغرافی

بخش اعظم مطالعات مربوط به جغرافیای طبیعی و انسانی ایران متضمن مطالعاتی است که دامنه آن از مرزهای ایران فراتر رفته است. کافی است توجه علاقمندان را به مطالبی که در این زمینه نگاشته شده است معطوف داشت. مطالعات تحلیلی هنوز در روزگار ما بندرت دیده میشود و بررسی‌های راجع به جغرافیای ناحیه‌یی در مرحله مقدماتی است. جای خوشوقتی است که زمینه اخیر تعدادی مکتشفین بزرگی را بسوی خود جلب کرده است.

ژ. درش (J. Dresch) در طی دوره های متمادی تعدادی قابل ملاحظه دانشجوی و پژوهشگر در مدرسه زبانهای زنده خاور زمین و در انستیتو ملی جغرافیا تربیت کرده است و « دوپلانول » (X. de planhel) چه از نظر تحقیقات شخصی (از ده ها مقاله که از پانزده سال باینطرف به مطالعات ایرانی تخصیص داده « جغرافیای انسانی شمال ایران » مخصوصاً قابل ذکر است . یاریس ، مرکز ملی پژوهشهای علمی ، ۱۹۶۴ ، با ترجمه بفارسی ، مشهد ۱۳۴۹) و چه از طریق راهنمایی و سرپرستی کارهای علمی گروهی علاقه و توجه خاصی به ایران معطوف داشته است . از جمله کارهای پژوهشی در دست اتمام غیر از کارهای دانشمندی از قبیل بازن (M. Bazin) که در موضوع زیارت قم تدوین گردیده است لازم است مخصوصاً از کارهایی که تحت سرپرستی درش (R.C.P. 140) و در ارتباط با گروهی از محققین ایرانی دانشگاه تهران به مدیریت م . صفوی - صورت میگیرد یاد آوری کرد . این مطالعات که در ۱۹۶۸ شروع شده و بایستی در ۱۹۷۳ پایان یابد عبارت از شناسایی دشت لوت : بررسی جغرافیای طبیعی ، زمین شناسی ، جانور - شناسی ، گیاه شناسی و جغرافیای انسانی (از جمله مطالعه روشهای مختلف آبیاری از نوع پیمون و مطالعه آماری ساکنان حاشیه کوبین از لحاظ اقتصاد اجتماعی) بوده است . از جمع پژوهشگران متعددی که باین کار مشغولند بذکر اسامی د. بالان (D. Balland) . پ . ژنتل (P. Gentelle) و رو (M. Reut) اکتفا می کنیم .

اسلام ایرانی

در حالیکه کار علمی هائری کربن شکل نوی به خود میگیرد در این مقاله به جا خواهد بود که توجه خود را معطوف به يك سلسله کارهای پژوهشی بکنیم که از سال ۱۹۵۴ باینطرف بوسیله نامبرده صورت گرفته است. در همان سال بود که از وی برای جانشینی لوئی ماسینیون در کرسی اسلامی شعبه علوم دینی مدرسه تبعات عالییه (سوربن) دعوت بعمل آمد. در يك اثر گروهی که بمناسبت صدمین سال تأسیس مدرسه تبعات عالییه منتشر گردید هائری کربن درباره روش و برنامه کارهای علمی خود که زمانی عدم توجه به موضوع آن لطمه بزرگی بامر مطالعات ایرانی وارد آورده و عمداً کنار گذاشته شده بود به تفصیل بحث میکند (به مسائل و روشهای تاریخ ادیان، پاریس ۱۹۶۹ صفحات ۱۲۹ تا ۱۴۶ مراجعه شود). در طول بیست سال اخیر موضوع تدریس هائری کربن کلا روی مطالعه و ترجمه متون پایه و معتبر قرار گرفته بود. در اشراق آثار سهروردی و تفسیر قرآن. در فقه شیعه: آثار حیدرآملی؛ مجموعه عظیم حدیث کلینی (الکافی)، تفسیر معظم ملا صدراى شیرازی؛ کتاب التوحید شیخ صدوق ابن بابویه و نیز تفسیر معظم قاضی سعید قمی؛ تفسیر شیعی تطبیقی؛ اثر رجب برسی و مواعظ مهم حقایق ادیان منسوب به ائمه؛ مباحث بزرگ چندی درباره مکتب شیخی از شیخ احمد احسائی

و محمد کریمخان کرمانی. در فقه اسماعیلی: آثار ابویعقوب سجستانی، حمیدالدین کرمانی، ادریس عمادالدین، رساله‌العالم والغلام، دامن الباطل که عبارت بوده است از پاسخ اسماعیلیه به مشاجره قلمی غزالی. در تصوف: آثار روزبهان و نجم‌الدین کبری و غیره. درباره این پژوهشها میتوان گزارش تفصیلی در سالنامه شعبه علوم دینی مدرسه تبعات عالیّه (سالهای ۱۹۷۳-۱۹۵۵) پیدا کرد.

درواقع این پژوهشها بموازات متون منتشره در مجموعه کتابخانه ایرانی مذکور در بالا صورت گرفته است. انتشار این مجموعه نمونه بارزی از سعی و اهتمام هائری کرین در تهران بوده و عبارت از متون منتشر نشده مؤلفین ایرانی اعم از فارسی یا عربی است. هر اثر با ترجمه فرانسه آن و بایک مقدمه تحلیلی همراه است. این امر به پژوهشگر حتی اگر شرقشناس نباشد اجازه میدهد که از مفاد کتاب اطلاع حاصل کند. بیست و دومین جلد از این مجموعه در زیر چاپ است و بر اثر مساعی مدیر و همکاران پرکار آن (فهرست ضمیمه جلد اخیر دیده شود) از آن جمله ه. رهاورد، کار بررسی و تدوین و چاپ با موفقیت پیش میرود. این مجموعه توانسته است از ۱۹۴۹ به بعد آثار تعدادی از مؤلفین را که دارای اهمیت شایانی هستند: در زمینه فلسفه آثار سهروردی، ابوعلی سینا، ملاصدرای شیرازی، در محدوده مذهب اسماعیلیه آثار ابویعقوب سجستانی، ناصر خسرو و غیره؛ در شیعیگری دوازده امامی اثر حیدر

آملی ، در تصوف شرح حال شاه نعمت‌الله‌ولی - از او بن - ، آثار روزبهان بقلی شیرازی ، مکاتبات علاء الدوله سمنانی و عبد الرحمن اسفرائینی ، ضمناً حماسه بزرگ عرفانی منسوب به گروه اهل حق ، شاهنامه حقیقت ، مباحث مهم منتشر نشده فثوت‌نامه ، شعرای اولیه پارسی - از ژ . لازار - (چاپ و ترجمه و تفسیر) را به علاقمندان بشناساند . سرانجام منتخبات بزرگی از آثار فلاسفه ایرانی از قرن هفدهم تا امروز در زیر چاپ است که متون آن را آشتیانی تدوین و هائری کربن معرفی کرده است . جلد اول آن که قبلاً انتشار یافته است قرار است با انتشار چهار جلد دیگر تکمیل گردد . بدین ترتیب در این مجموعه بزرگ آثار چهل نفری از اندیشمندان ایرانی که اسامی آنان تا روزگاری در مغرب زمین تقریباً ناشناخته مانده است معرفی خواهد شد . نتایج مهم این تحقیقات بوسیله هائری کربن از ۱۹۴۹ به بعد در اورانوس یا هر بوک (Eranos - Jahrbuch) زوربخ درج گردیده یا در آثار بکه خود مؤلف در پاریس منتشر کرده : بطور عمده ابن سینا و داستان تمثیلی (۱۹۵۴ ، ضمناً در حال تجدید چاپ است) ، ارض ملکوت و تن پسین : از ایران مزدیسنا تا ایران شیعه (پاریس ۱۹۷۱) ، انسان نورانی در تصوف ایرانی (چاپ دوم ، پاریس ۱۹۷۱) ؛ تاریخ فلسفه اسلامی جلد اول (از آغاز تا مرگ ابن رشد) که در آن مخصوصاً اهمیت افکار شیعیگری و « رستاخیز » فلسفه ایران قدیم که مطلوب سهروردی بوده ، منعکس است (ترجمه موجز جلد دوم زیر چاپ است ،

انسیکلوپدی پلاید، تاریخ فلسفه III؛ این کتاب در فصل مربوط به فلسفه ایران که ذکر آنان در منتخبات مذکور در بالا بعمل آمده است مخصوصاً حائز اهمیت است). باری هانری کربن اخیراً اثری معظم حاوی تحقیقات ربع قرن تحت عنوان جنبه های معنوی و فلسفی در اسلام ایرانی (پاریس، گالیمار ۱۹۷۳ - ۱۹۷۱) انتشار داده است. به توضیحاتی که در حاشیه هر جلد آمده و گویای کامل غنای این اثر است مراجعه شود.

خلاصه مساعی هانری کربن بطور عمده شامل فلسفه اسلامی یا حکمت الهی است که معنا و مفهوم آن از آنچه که معمولاً در مغرب زمین از «فلسفه» و «تئولوژی» استنباط میشود زمینه وسیعتری را شامل میگردد. از این پژوهشها چنین برمیآید که سهم ایرانیان در «علوم عالی» اسلام مهم و قاطع بوده است. این امر در ذهن هانری کربن مایه ایجاد مفهوم فلسفه خاص ایرانی - اسلامی میشود که هنگام برگزاری کنفرانس بین‌المللی ایران‌شناسی در شیراز در اکتبر ۱۹۷۱ فرصت مناسبی جهت بیان رئوس مطالب آن برایش حاصل گردید. امکان مشاهده روزیکه بالاخره این نظریه مقام شایسته در مراحل مطالعات فلسفی پیدا کند فرا خواهد رسید و بسود مطالعات ایرانی پیش خواهد رفت. از میان گروه پژوهشگران، آنان که کارهای علمی خود را مدیون راهنماییهای هانری کربن هستند میتوان لاقفل از لاندو (H. Londolt)، دومیرا (M. de Mira)، مجتهدی (K. Modjehedy) و شایگان نام برد.

کردشناسی

زبان کردی چنانکه گفته شد در انستیتو ملی زبانها و تمدنهای خاور زمین تدریس میشود و از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ امیر کک آ. بدرخان مأمور تدریس آن بوده است و در حال حاضر این وظیفه برعهده ژویس بلو دو وانژرن (Jogce Blau de Wangen) است. کردشناسی فرانسه مسلماً در مراحل اولیه خود نیست و ما کارهای مهمی را که تا حال انجام یافته است ذیلاً در یک ترتیب زمانی تقریبی ذکر می‌کنیم:

بازیل پ. نیکیتین روسی در فرانسه زندگی کرده و به کارهای پژوهشی پرداخته است. از میان در حدود چهار فقره نشریاتی که وی وقف کرده‌ها کرده است، «کردها و بررسی اجتماعی و تاریخی» (پاریس ۱۹۵۶) اهمیت شایانی دارد. تو ماس بوا (Thomas Bois) مدت مدیدی در خاور زمین بسر برده و کارهای تحقیقاتی انجام داده است، وی در سال ۱۹۴۷ با نام مستعار لوسین رامبو کتابی پرس و صدا: «کردها و حقوق» (پاریس) منتشر ساخت. ضمناً نامبرده جنبه‌های کاملاً متفاوت زندگی اجتماعی، دینی و ادبی کردها را مطالعه کرده کتاب جامعی بنام «شناسائی کردها» (بیروت ۱۹۶۵) برشته تحریر درآورده است. پیر روندو (Pierre Rondot) مدت مدیدی در دمشق با گروه کردی «هاوار» که نقش مهمی در احیاء فرهنگ معاصر کردی داشته است به پژوهش پرداخته و مقالات زیادی در کردشناسی نوشته است. روزه لسکو، (Roger Iescot) سفیر فرانسه و مؤلف چندین اثر تحقیقی

در کردشناسی است. در میان این آثار مخصوصاً باید از «تخقیق درباره یزیدی‌ها» و از دو جلد «متون کردی» که به ترتیب در سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۴۰ بوسیله انستیتو فرانسه در دمشق به چاپ رسیده است نام برد. در ۱۹۷۰ وی با همکاری جلادت بدرخان مشوق گروه «هاوار» اثر مهم «گرامر کردی» را منتشر ساخته و از سوی دیگر در ۱۹۴۸ در مدرسه ملی السنه زنده شرقی تدریس زبان کردی را آغاز کرده است. محمد مکرری کارهای پژوهشی زیادی در کردشناسی انجام داده است از آنجمله متون مهمی درباره گروه اهل حق، مخصوصاً در مجموعه «مطالعات ایرانی» منتشر ساخته است.

باری نامبرده از سوی دیگر مجموعه از مقالات منتشر شده خود را در سال ۱۹۷۰ (پاریس) تحت عنوان «سهم علمی در مطالعات ایرانی، کردشناسی» به چاپ رساند. دووانژن (J. de Wangen) بررسی جامعی در «مسئله کرد» (بروکسل، ۱۹۵۳) بعمل آورده و یک جلد لغت کردی، فرانسه - انگلیسی (۱۹۶۵) منتشر کرده و ضمناً در امر تدوین و انتشار «اطلس زبان‌شناسی ایرانی» که توسط ردار (G. Redard) در برن انتشار می‌یابد همکاری دارد.

سهم مردم شناسی در مطالعات ایرانی

در گذشته، جامعه مردم شناسی فرانسه اظهار علاقه زیادی نسبت بدنیای ایرانی نکرده است. از دوره قبل از جنگ تنها اثر بزرگ

هانری ماسه : معتقدات و آداب ایرانی^۱ (پاریس ۱۹۳۸ ، دو جلد)
و اثر ریا هاکن (Ria Hackin) آداب و رسوم و داستانهای افغانی
(پاریس ۱۹۵۳) را در دسترس داریم .

در حال حاضر علاقه به شناسائی و گردآوری فولکلور با مطالعه
آداب و رسوم مردم کردستان بوسیله م . مگری و با انتشار داستانهای
عامیانه فارسی خراسان بوسیله بولون (A . Boulvin) صورت تحقق
یافته است . موسیقی سنتی ایران بوسیله کارون (N, Caron) با همکاری
د . صفوت در کتابی تحت عنوان «ایران ، سنن موسیقی» (پاریس ۱۹۶۶)
مورد مطالعه قرار گرفته است .

جهت یابی جدیدی در مجموعه مردم شناسی موزه مردم که در آن
بخش ایران و افغانستان از لحاظ مدارك تکمیل و غنی گردیده است
بچشم میخورد . درباره بختیاریها، ترکمنها، اوزارکشاورزی منطقه زاگرس
و لباسهای زنان ایرانی مطالعاتی در جریان است . پژوهشهای فردی
به مطالعه فنون سنتی افغانی معطوف است از آنجمله مطالعات رو
(M. Reut) (در زمینه بافتنی ، شیشه های بادی و ابریشم کاری)
میباشد این بررسیها از سوی دیگر متوجه اوضاع اقتصادی اجتماعی ساکنان
حواشی کویر لوت در ایران است .

۱ - ترجمه جلد اول این کتاب وسیله استاد دانشمند آقای دکتر مهدی

روشن ضمیر به چاپ رسیده و جلد دوم آن نیز در دست ترجمه است .

در بارهٔ عشایر بررسیهای متنوع کم نداریم از جمله عبارت است از مطالعات مونتلی (V. Monteil) دربارهٔ «عشایر فارس و اسکان چادر- نشینان» (پاریس ۱۹۶۶) . کارهای دیگری نیز در حال اجراء است که دلالت بر گسترش ارزشمند مطالعات مردم شناسی دارد که میتواند رشته های متنوعی از قبیل زبانشناسی (با Ch. Kieffer) ، جامعه شناسی (با وی P. Vieile) ، دینی (با I. Calmard) و غیره را دربرگیرد . از قرون متمادی باینطرف سنن جاری در ایران فرصت تظاهر و درخشش را به افسراد متعهد در امر آموزش و پژوهش تنها در لابلای آثاریکه بوجود آورده اند داده است و اینجا در حد يك مقاله علیرغم فراموشی قطعی نامی از آنان برده شده است .

باری چگونه ممکن است نام اشخاصی را که از فقدانشان متأسف بوده ایم از جمله هائری ماسه ذکر نکنیم . ژ . لازار در ۱۹۶۹ ضمن مقاله در ژورنال ازبایتیک از وی سخن گفته ، از هاریژان موله نیز به تفضیل در مقاله مربوط به مطالعات ایران قدیم یاد شده است . ضمناً نامبرده توانست در زمینهٔ مطالعات ایران مدرن با کارهای پژوهشی دربارهٔ تصوف خود را بنمایاند . علاقهٔ قلبی ما این بوده است که از همهٔ مدرسین و محققین که در مراحل مختلف کارهای آموزشی و پژوهشی مشغولند ذکری کرده باشیم . مقالات و یادداشتهای پنجاه سال آینده نشان خواهد داد که آنان ، هم از لحاظ تعداد و هم از لحاظ وسعت کارهای پژوهشی از اسلاف خود فراتر رفته اند و این آرزوی ماست .

توضیحات

۱ - مقاله حاضر گزارشی موجز از کارهای تحقیقی مربوط به ایران در نیم قرن اخیر در فرانسه است. انتشار آن در مجله « ژورنال ازیاتیک » بمناسبت صد و پنجاهمین سال تأسیس « انجمن آسیائی فرانسه » صورت گرفته است. « انجمن آسیائی فرانسه » در سال ۱۸۲۲ بمنظور تمرکز و هماهنگ ساختن تحقیقات دانشمندان خاور شناس فرانسه که تا آن موقع بطور انفرادی و بشکل پراکنده صورت میگرفت از سوی خاور شناسان و به تشویق دولت وقت فرانسه در پاریس تشکیل گردید. هدف عمده از تشکیل آن ایجاد تفاهم بین شرق و غرب، معرفی و شناساندن میراث تمدن و فرهنگ عظیم و کهن آسیا در دنیا و یا بطوریکه در نهمین ازمستشرقین قرن هیجدهم فرانسه - ژرف دگینی و انکتیل دوپرون توصیه کرده بودند اشاعه اصول هومانیسیم یا بشرگرایی در سطح جهانی بوده است.

در بدو تأسیس، رئیس افتخاری انجمن مزبور دوک دورلئان بود که چند سال بعد بنام لوئی فیلیپ پادشاه فرانسه گردید. رؤسای دیگر انجمن تا امروز بشرح زیر بوده اند:

۱ - سیلوستر دوساسی (SILVESTRE DE SACY) ۱۸۲۹-۱۸۲۲

- ۲- ابل رموزا (J.P.ABEL - RÉMUSAT) ۱۸۲۹ - ۱۸۳۲
- ۳- سیلوستر دوساسی (SILVESTRE DE SACY) ۱۸۳۲-۱۸۳۴
- ۴- امده ژوبر (AMÉDÉE JAUBERT) ۱۸۳۴ - ۱۸۴۷
- ۵- رنو (REINAUD) ۱۸۴۷ - ۱۸۶۷
- ۶- ژول مهل (JULES MOHL) ۱۸۶۷ - ۱۸۷۶
- ۷- گارسن دوتاسی (GARCIN DE TASSY) ۱۸۷۶ - ۱۸۷۸
- ۸- ادلف رنیه (ADOLPHE RÉGNIER) ۱۸۷۸ - ۱۸۸۴
- ۹- ارنست رنان (ERNEST RENAN) ۱۸۸۴ - ۱۸۹۲
- ۱۰- بارییه دومنار (BARBIER DE MEYNARD) ۱۸۹۲ - ۱۹۰۸
- ۱۱- امیل سنار (EMILE SENART) ۱۹۰۸ - ۱۹۲۸
- ۱۲- سیلون لوی (SYLVAIN LÉVI) ۱۹۲۸ - ۱۹۳۵
- ۱۳- پل پلیو (PAUL PELLIOU) ۱۹۳۵ - ۱۹۴۵
- ۱۴- ژاک بکو (JACQUES BACOT) ۱۹۴۵ - ۱۹۵۱
- ۱۵- سارل ویرولو (CHARLES VIROLLEAUD) ۱۹۵۱ - ۱۹۶۴
- ۱۶- ژرژ کدس (GEORGE COEDÉS) ۱۹۶۴ - ۱۹۶۹
- ۱۷- رنه لایا (RENÉ LABAT) ۱۹۶۹ - ۱۹۷۴
- ۱۸- کلود کوهن (CLAUDE COHEN) ۱۹۷۴ -

اولین انجمن از این نوع در تاریخ در اثر مساعی خاور شناسان

هلندی در سال ۱۷۷۸ در باتاویا بنام Bataviaasch Genootschap

van Kunsten en Wetenschappen تأسیس گردید ولی عمر آن

کوتاه بود و خدمت برجسته‌ای انجام نداد. شش سال بعد چند نفر خاورشناس انگلیسی و در رأس آنان سر ویلیام جونز انجمن آسیائی بنگال (Royal Asiatic Society of Bengal) را در کلکنه بنا نهادند.

سه انجمن آسیائی دیگر که از لحاظ تاریخ تأسیس در مراحل بعدی قرار دارند و دارای اهمیت و اعتبار جهانی هستند عبارتند از: انجمن سلطنتی آسیائی بریتانیا (Royal Asiatic Society). این انجمن در ۱۵ مارس سال ۱۸۲۳ در لندن بوسیله هانری توماس کلبروک متخصص در زبان سانسکریت تأسیس گردید و در ماه اوت آن سال اولین منشور سلطنتی را دریافت کرد. از ۲۴ تا ۲۸ ژوئیه ۱۹۷۳ بمناسبت صد و پنجاهمین سال تأسیس انجمن مزبور سمپوزیومی در لندن تشکیل گردید.

انجمن آسیائی امریکا (American Oriental Society) و انجمن آسیائی آلمان (Deutsche Morgen Landische Gesellschaft) تقریباً همزمان در سال ۱۸۴۲ در دو کشور فوق‌الذکر تأسیس گردیدند.

۲- امیل بنونیست در ۲۷ مه ۱۹۰۲ متولد گردید و بعد از يك عمر تحقیق و تتبع و ایجاد بزرگترین آثار علمی مربوط به مسائل زبان در ششم دسامبر ۱۹۶۹ به‌سکته مغزی مبتلی و تا روز وفاتش (سال ۱۹۷۶) اسیر بستر بیماری و محکوم بسکوت بود.

۳- این مجموعه حاوی مطالب مربوط به مسائل زبان بوده که توسط عده‌ای از دوستان بنونیست در سال ۱۹۲۸ بمناسبت نیل به مقام معلمی در مدرسه تبعات عالییه به وی تقدیم گردیده است.

۴ - «Sutra des Causes et des Effets» ; T. S , trans-
cription . traduction , index , par R. Gauthiot et p . pellet .
avec la collaboration d , E , Benveniste , Paris , P. Geuthner ,
1929 , 28 .

۵ - « Essai de grammaire sogdienne » 2ème partie :
morphologie ' syntaxe et glossaire . paris Geuthner , 1929' .

۶ - « Codices Sogdiani » : Manuscrits de la B. N.
(Mission Pelliot) reproduit en fac similé avec une intro-
duction . Copenhague , Munksgaard , 1940 .

۷ - « Vessantara Jataka . Texte sogdien , édité , traduit
et commenté . Paris , p . Geuthner , 1946 .

۸ - Journal of the Royal Asiatic Society

۹ - Journal Asiatique , 1936 , 1939 (« Notules ») et
1951 .

۱۰ - Transaction of the philological Society

۱۱ - « Mots d , emprunt iranien en arménien » . Bulle-
tin de la Société Linguistique

۱۲ - « Grammaire du vieux perse » , paris 1915 , 2eme
édition , entièrement corrigée et augmentée paris , Champion ,
1931 .

۱۳ - این کتاب تحت عنوان « دین ایرانی بر پایه متن های مهم

کهن یونانی » از متن انگلیسی « The persion Religion lexts

according to the chief Greek Texts

استاد دانشگاه آذربادگان ترجمه شده است . دانشگاه تبریز - ۱۳۵۰

چاپ دوم بنیاد فرهنگ ایران ۲۵۳۴

۱۴- « Les Mages dans l' Ancien Iran », Paris , G. p. Maisonneuve , 1938 .

۱۵- « Le temoignage de Théodore Bar Konay sur le zoroastrisme », Le Monde Oriental , 26 (1932 - 33)

۱۶- « Les infinifs avestiques » paris , A. Maisonneuve, 1935 ,

۱۷- بامرگ پردومناش (۱۹۷۳ - ۱۹۰۲) مکتب ایرانشناسی فرانسه یکی از اساتید مسلم خود را از دست داد . «شکندگومانیک و بیچار» اولین اثر اوست که آن را ترانسکرپسیون ، ترجمه و تحشیه کرده است (فریبورگ ، سوئیس - ۱۹۴۵) در سال ۱۹۴۷ دانشگاه پاریس از وی دعوت کرد تا در یک سلسله کنفرانسهائی که هر چهار سال یکبار از طرف بنیاد راتانیه کاتراک تشکیل میگردد در پیرامون ایران باستان سخنرانی کند . در سال ۱۹۵۸ بمنظور تشریح و توضیح ترکیب ثنویت مزدائی اقدام بانشار « فرهنگستان مزدائی ، دینکرت » نمود ، بعد از مطالعات و تتبعات در حقوق ساسانی ، کتابی بنام « بنیادها و موقوفات در حقوق ساسانی » منتشر کرد . در کتاب مزبور وی گوشه هائی از زندگی جوامع دوره ساسانی را به ما شناسانده است . اثر بزرگ این ایرانشناس معروف « دفتر سوم دینکرت » است که حاصل یک عمر کار و تحقیق میباشد :

(Le troisième livre du Denkart , traduit du pehlevi par J. de Menasce . paris Librairie C. Klincksieck , 1973 : 465 pages

اولین حمله بیماری در سال ۱۹۵۹ سمت راست بدن او را فلج و

او را به اقامت دائم در خانه خود مجبور کرد. در موقع برگزاری کنفرانس مطالعات ایرانی در تهران در سال ۱۹۶۶ وی اظهار تمایل کرد که علیرغم بیماری حاضر است رنج مسافرت بایران را به جان بپذیرد ولی بنا بر توصیه پزشکان از این مسافرت اجباراً چشم پوشید. جای بسی تأسف و شگفتی است که این ایران‌شناس مشهور نتوانست در عمر خود کشور محبوب و مورد علاقه‌اش ایران را که سالها با فداکاری روی آن تحقیق کرده بود از نزدیک ببیند.